

ابن عربی پژوهی

مجموعه مقالاتی در معرفی آرا، احوال و آثار

به کوشش

دکتر حسن ابراهیمی

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران



اسفند ۱۳۹۳

سرشناسه: ابراهیمی، حسن، ۱۳۴۱ - گردآورنده
 عنوان و نام‌پدیدآور: این عربی پژوهی: مجموعه مقالاتی در معرفی آراء احوال و آثار
 مشخصات نشر: تهران: خانه کتاب، ۱۳۹۳.
 مشخصات ظاهری: ۷۷۶ ص.؛ ۱۷*۲۴ س.م.
 شابک: ۷-۱۹۵-۲۲۲-۵۰۰-۹۷۸
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیپای مختصر
 یادداشت: فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل
 دسترسی است
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۷۵۴۲۷

۴۱۸

خانه کتاب

عنوان: این عربی پژوهی
 (مجموعه مقالاتی در معرفی آراء احوال و آثار)
 به کوشش: دکتر حسن ابراهیمی
 ناشر: خانه کتاب
 نوبت چاپ: اول، اسفند ۱۳۹۳
 شمارگان: ۵۰۰ نسخه
 بها: ۳۵۰۰۰ تومان
 شابک: ۷-۱۹۵-۲۲۲-۵۰۰-۹۷۸
 ناظر چاپ: فاطمه بیگدلی
 لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه بوستان کتاب

تهران: خیابان انقلاب، بین صبا و فلسطین جنوبی، پلاک ۱۰۸۰، مؤسسه خانه کتاب
 تلفن: ۸۸۳۴۲۹۸۵

فهرست مطالب

.....	مقدمه	هفت
.....	بانونظام، ایماژ محبت و معرفت	۱
.....	رالف آستین ترجمه مجتبی زروانی	
.....	همانندی‌های انسان‌شناسی ابن عربی و عرفای قبایل یهودی در اندلس	۱۷
.....	علیرضا ابراهیم	
.....	علم باری تعالی در اندیشه ابن عربی	۴۱
.....	حسن ابراهیمی	
.....	جلوهٔ جمیل جاوید خضر در آینه فتح‌الفتوح معنی (تحقیق پیرامون خضر در زندگی و اندیشه ابن عربی)	۷۵
.....	محمدجواد ادبی	
.....	ماه و انسان کامل در اندیشه ابن عربی	۹۳
.....	داود اسپرهم	
.....	نگاهی گذرا به تأثیر ابن عربی در تصوف جهان مالایی	۱۱۷
.....	محمودرضا اسفندیار	
.....	فقر و غنا از دیدگاه ابن عربی و مقایسه آن با نظر دیگر عرفا	۱۳۵
.....	اصغر اسمعیلی	
.....	محبی‌الدین ابن عربی	۱۴۹
.....	قطب‌الدین اشکوری	
.....	کوشش‌های شاه ولی‌الله دهلوی در اصلاح نظریه وحدت وجود	۱۵۹
.....	عبدالحق انصاری ترجمه حجت‌الله جوانی	
.....	طریقه معروفیه از ابن عربی تا شاه‌نعمت‌الله ولی	۱۷۷
.....	شهرام بازوکی، انسیه شیخ‌سفلی	
.....	ابوالسعود استاد نا‌شناس ابن عربی	۲۰۹
.....	شهرام بازوکی، انسیه شیخ‌سفلی	
.....	وحدت وجود در تنوع تفسیری خود نزد ابن عربی و اسپینوزا	۲۲۵
.....	زهره نوازیانی	
.....	گامی چند با دو شارح ابن عربی	۲۴۷
.....	علی‌اکبر ثبوت	
.....	نسبت صفات و ذات حق تعالی از دیدگاه ابن عربی	۲۶۵
.....	محمدعلی جعفری	
.....	سرچشمه‌های اندیشه عرفانی ابن عربی و برخی ویژگی‌های مکتب او	۳۰۱
.....	علیرضا جلالی	

۳۱۷	وحدت ادیان از دیدگاه ابن عربی علیرضا جلالی
۳۳۱	خاتمه اولیاء از دیدگاه ابن عربی و سید محمد نوربخش جمشید جلالی شیجانی
۳۵۱	حضرات الهیه قاسم جوادی
۳۷۱	زنان مؤثر در زندگی ابن عربی عالیه حسنی، حسن ابراهیمی
۳۹۱	شر و چگونگی راهیابی آن در نظام احسن در مکتب ابن عربی عین‌الله خادمی، مظاهر جوادی‌یا
۴۱۵	مقام خقب موسوی و مقام آلف محمدی روح‌الله دارابی
۴۳۷	بررسی تطبیقی رؤیا از منظر ابن عربی و یونگ سمیه رحیمی
۴۵۵	حقیقت وجود از دیدگاه ابن عربی و سید قطب‌الدین نیریزی محمدجواد شمس
۴۸۹	قلب عرفانی و ابن عربی محمد اسماعیل صالحی مقدم
۵۱۷	عشق از نگاه ابن عربی محمد اسماعیل صالحی مقدم
۵۳۹	وارونگی معرفت و وجود نزد ابن عربی عبدالله صلواتی
۵۵۳	چیستی و هستی وحی از دیدگاه ابن عربی سید محمد قادری
۵۷۳	آینه‌های خدانما (سیری در نظریه ابن عربی در آفرینش) مهدی کمپانی زارع
۶۲۷	معاد جسمانی به روایت ابن عربی مهدی کمپانی زارع
۶۴۳	اجتهاد از زبان ابن عربی محمود غراب ترجمه و تلخیص علی اوجبی
۶۷۳	انحلال یا عدم انحلال ذات در تجربه عرفانی ابن عربی عباسعلی منصوری
۶۹۷	محتوا، پیشینه، انگیزه و ادله اعیان ثابته در مکتب ابن عربی اصغر نوروزی
۷۳۵	خیال در خدمت ایمان (کارکرد خیال در شکل‌گیری ایمان از نگاه ابن عربی با نگاهی به آیات و روایات) سید امیر اشرف‌واقدی

تصوف در اسلام صرف نظر از خاستگاه آن میراث علمی گران قدری را به وجود آورده است. این آثار الهام بخش بسیاری از اندیشمندان و متفکران مسلمان بوده و هست و آنان را به مذاقه و خوض در محتوای خویش واداشته است. اگر چه توجه دیگر متفکران به میراث صوفیه همواره همدلانه نبوده است؛ اما از رهگذر این مطالعات و تفحص‌ها در عرفان و تصوف بهره‌های فراوانی حاصل آمده است. از جمله مهمترین فواید و آثار تحقیق و درنگ در میراث صوفیه در جهان اسلام شاید بتوان این را دانست که اندیشوران مسلمان را در رسیدن به حقیقت از مشرب و روش واحد به جمع میان مشارب و طرق مختلف معرفت و شناخت واداشت. چنانکه میر سید سرف جرجانی (شرح مواقف، ج ۱، ص ۱۶) بر آن شد که تا فکر و نظر به تشخیص الهامات و اشراقات نپردازند، اطمینان حاصل نمی‌شود که الهام الهی است یا شیطانی، و همچنین صوفیه را در تصفیه باطن ناگزیر از استعانت از فکر و نظر می‌داند تا ریاضت آنها را همچون مبطلینی که ریاضتشان آنها را به عقاید باطل کشانده است، عقاید باطلی را برای آنان به بار نیاورد. (همان) آنچه جرجانی در باب ضرورت جمع میان عقل و کشف بیان داشت ریشه در اندیشه متفکران پیش از او دارد.

در ادوار بعدی به ویژه دوره حکمای مکتب اصفهان حکمایی چون صدر المتألهین شیرازی نیز به عنوان فیلسوفی مکتب ساز و تأثیرگذار در ضرورت جمع میان طرق شناخت حقیقت و اعتبار مشرب و روش عرفا در کنار عقل و خردورزی تأکید ورزیده اظهار می‌دارد:

قد أشرنا مراراً إلى أن الحكمة غير مخالفة للشرائع الحقّة الإلهية بل المقصود منهما شيء واحد هي معرفة الحق الأول و صفاته و أفعاله و هذه تحصل تارة بطريق الوحي و الرسالة فتسمى بالنبوة و تارة بطريق السلوك و الكسب فتسمى بالحكمة و الولاية - و إنما يقول بمخالفتها في المقصود من لا معرفة لتطبيق الخطابات الشرعية على البراهين الحكيمة. (الحكمة المتعالية في الاسفار العقلية الاربعة، ج ۷، ص: ۳۲۷)

از نظر صدرالمতألهین معرفت و شناخت حق تعالی و صفات و افعال او تنها از طریق وحی و رسالت حاصل نمی‌گردد بلکه این مهم از طرق سلوک عرفانی و اکتساب عقلی نیز که ولایت و حکمت نامیده می‌شوند نیز قابل دریافت است. او در فرازی دیگر ضمن بیان روش صوفیه بر عدم انفکاک عقل و شرع و کشف که اصل و بنیان حکمت متعالیه بر آن استوار است تأکید ورزیده و این ویژگی را در میان حکما از اختصاصات دانسته و آورده است:

أهل الكشف من الصوفية فإنه لاح لهم بضرب من الوجدان و تتبع أنوار الكتاب و السنة أن جميع الأشياء حتى ناطق ذكر الله مسبح ساجد له كما نطق به القرآن في قوله وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ و قوله وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَ نحن بحمد الله عرفنا ذلك بالبرهان و الإيمان جميعا و هذا أمر قد اخص بنا بفضل الله و حسن توفيقه (همان، ج ۷، ص ۱۵۳)

بنابراین فقره، روش و منه صوفیه در نیل به معرفت، وجدان و دریافت عرفانی و تتبع کتاب و سنت است. آنان در اثر انس با کتاب و سنت از طریق وجدان عرفانی آن را می‌یابند که قرآن کریم بدان ناطق است و او خود این همه را در کنار برهان عقلی دارد و تعارضی میان برهان و ایمان نمی‌بیند. جمع میان عقل و کشف از دغدغه‌های خود عارفان و اهل تصوف نیز بوده است.

صدرالمتألهین شیرازی براساس آنچه به عنوان جمع راه‌های رسیدن به حقیقت از آن یاد می‌توان کرد حکمتی نوپنیا ن نهاد. از این رو تحقیق و پژوهش در میراث عرفانی عرفای مسلمان همواره برکت‌خیز و راهگشا بوده است. ابن عربی و آثارش در میان عرفا و صوفیه از این نظر بیشترین اهمیت و به تبع تأثیر را داشته و آموزه‌های او موضوع پژوهش‌های بسیاری بوده و هنوز نیز جای تحقیق و پژوهش بسیاری در آثار و تعالیم او وجود دارد. آثار ابن عربی نزد حکمای ادوار مختلف به ویژه حکمای مکتب اصفهان و نیز حوزه فلسفی تهران و حکمایی همچون آقا محمدرضا قمشهای (حکیم صهباء)، میرزا ابوالحسن جلوه و مانند ایشان مورد توجه بسیاری بوده و متفکران و اندیشوران معاصری همچون امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، علامه سید محمد حسین طباطبائی، سیدجلال الدین اشتهانی، شهید مطهری و مدرسان و شارحان حکمت متعالیه همچون آیت‌الله جوادی آملی، آیت‌الله حسن‌زاده آملی و شاگردان آنان به آثار او اهتمام ورزیده و رنج پژوهش و تحقیق در کتاب‌های وی را بر خود هموار نموده‌اند. شهید مطهری ابن عربی را از اعاجیب روزگار بر شمرده و بر آن است که او انسانی شگفت است که به همین دلیل اظهار عقیده‌های متضادی درباره اش شده است. برخی او را ولی کامل، قطب الاقطاب می‌خوانند و بعضی دیگر تا حد کفر تنزلش می‌دهند. گاهی ممیت الدین و گاهی ماحی الدین می‌خوانند. (مجموعه آثار، ۲۳ ص ۶۰) مطهری عرفای بعد از ابن عربی را عموماً ریزه‌خوار سفره او می‌داند (همان، ۵۹) و بر آن

است که نه پیش از او و نه بعد از او کسی به پایه او نرسیده و به همین جهت او را شیخ اکبر لقب داده‌اند. (همان) تکامل عرفان اسلامی از دیگر وجوهی است که مطهری به نقش ابن عربی در آن توجه کرده و آهنگ این تکامل را یکسان نمی‌داند. به گفته وی تکامل عرفان اسلامی از بدو ظهور قرن به قرن بوده و در هر قرنی عرفای بزرگی ظهور کردند و به عرفان تکامل بخشیدند و بر سرمایه‌اش افزودند. وی این تکامل را در قرن هفتم و پس از ظهور ابن عربی به صورت جهشی می‌داند و بر آن است که عرفان اسلامی توسط ابن عربی به نهایت کمال رسید. از نظر مطهری، محیی الدین، عرفان را وارد مرحله جدیدی کرد که سابقه نداشت. به گونه ای که بخش دوم عرفان به تعبیر وی یعنی بخش علمی و نظری و فلسفی آن به وسیله محیی الدین پایه‌گذاری شد. (همان)

ابن عربی پژوهان معاصر در همراهی با گذشتگان ضمن تاکید بر اهمیت آثار ابن عربی در باب صعوبت و دشواری فهم و درک کتاب‌های وی نیز بسیار گفته‌اند. این نکته بر اهمیت ضرورت تحقیق و پژوهش بر آثار و تعالیم ابن عربی - که وجهه نظر این مجموعه نیز می‌باشد - می‌افزاید. چنانکه دکتر جهانگیری در مقدمه کتاب ابن عربی چهره برجسته عرفان اسلامی (ص چهارده) می‌گوید: در مطالعه کتب و رسالات و مقالات ابن عربی، ناگهان خود را با اقیانوسی رویاروی یافتیم، بس ژرف و پهناور و حتی گویی بیکرانه و به خوبی دریافتم که دخول به آن سخت و خروج از آن سخت و مشکلات هرچه بیشتر است. عثمان یحیی این دشواری را تنها به بهانه جزء هشتم کتاب بزرگ ابن عربی، فتوحات مکیه اظهار داشته می‌گوید: هیچ رابطه منطقی یا موضوعی که بتوان براساس آن پراکندگی مباحث این جزء را برطرف ساخت و میان مسائل و قضایای آن وحدتی ایجاد کرد، وجود ندارد و این البته چنانکه وی می‌گوید اختصاص به فتوحات و یا این جزء خاص از فتوحات ندارد. بلکه در هر کتابی از کتاب‌های شیخ به نوعی این مسأله وجود دارد و قواعد مقرر و مألوف در بحث علمی قابل تطبیق با آثار ابن عربی نمی‌باشد. (فتوحات، تصحیح عثمان یحیی، ج ۲ ص ۲۲) ابن عربی به گفته ابراهیم مدکور، مؤلفی است دارای نفسی بلند و معرفتی گسترده و برخوردار از شخصیتی ذوابعد و اطراف که اندیشه‌ای حاصلخیز و ثمربخش دارد. مصطلحات بسیاری دارد و از این نظر مسرف است. رموز و اشارات بسیاری در آثار او وجود دارد. به عقیده مدکور تنها کسانی می‌توانند به ابن عربی راه یابند که از نزدیک او را بشناسند و مدتی طولانی با او زندگی کنند، به گونه‌ای که بر اساس و دقائق او آشنا شوند. (همان)

اما در عین دشواری راهیابی به افق اندیشه این عارف نامدار آثار او همواره دستگیر و راهگشای مبتدیان و منتهمیان بوده است و شاخ بزرگ، سالکان طریق را برای نزدیکتر کردن راه به کتاب‌های شیخ ارجاع می‌داده‌اند.

عبدالکریم جیلی از متأثران و مروجان اندیشه ابن عربی از شیخ خود اسماعیل جبرتی نقل می‌کند که روزی به یکی از شاگردانش می‌گوید: کتاب‌های شیخ محیی الدین بن العربی را مطالعه کن و شاگرد در جواب شیخ جبرتی از برتری صبر برای حصول فتح ربانی و دریافت معارف به فیض الهی سؤال می‌کند، بدین معنا که آیا صبر برای نبل به فتح بهتر از مطالعه کتاب‌های شیخ ابن عربی نیست؟ شیخ جبرتی در پاسخ می‌گوید: آنچه تو برای رسیدن به آن به صبر و مجاهده پناه می‌آوری، ابن عربی در کتابهایش ذکر

کرده است. (مراتب الوجود، ۸-۹)

جلی توصیه‌های این چنین از سوی مشایخ به مریدان را برای تقریب مسافت بعید و تسهیل طریق صعب برای آنان می‌داند. زیرا مرید، گاه از طریق علوم این کتابها به مسأله‌ای دست می‌یابد که پنجاه سال مجاهده برای او چنین حاصلی نخواهد داشت. (همان)

چنین به نظر می‌رسد که ابن عربی خود به این صعوبت و دشواری تفتن داشته و این سبک و شیوه نگارش را آگاهانه انتخاب نموده است. به عنوان مثال بنای ابن عربی در مهمترین کتابش یعنی فتوحات مکیه - چنانکه خود می‌گوید- بیان امتهات و اصولی است که در طریق خدایتعالی مورد احتیاج است و در عین حال از اطاله کلام پرهیز دارد و سعی در بیان به اختصار و افتقار دارد. از این رو ابن عربی عقاید را بطور خلاصه و نامتین بیان می‌کند و غموض و پیچیدگی این بحث‌ها را دلیل انتخاب چنین شیوه‌ای برای بیان این عقاید می‌داند. این مباحث بطور پراکنده در ابواب مختلف فتوحات آمده است، اما ابن عربی در عین پراکندگی و اختصار این گونه بحث‌ها را مستوفی و روشن می‌داند. به گفته او فهم این مباحث و تمیز آن از مباحث دیگر کتاب فتوحات، رزقی الهی است و از این رو ابن عربی این گونه از مباحث فتوحات را علم الحو می‌نامد. در مباحث ملخص عرفانی فتوحات - به گفته ابن عربی - اعمی و بصیر یکسان می‌باشند. این گونه از بحثها دورها را به نزدیکترین‌ها ملحق می‌سازد و پست‌ها را به بلندمرتبه‌ها پیوند می‌دهد. (فتوحات، دار احیاء، ۷۷/۱)

به هر روی در عین صعوبت آثار و کلام و بیان ابن عربی و نیز پراکندگی مسائل در آثار او، در صورت بهره‌مندی از فیض ربوبی و زندگی با آثار او و کوشش و تلاش مستمر، مفاهیم با این عارف بزرگ ممکن و میسر می‌شود. البته افراد و اشخاص مرتبت واحدی نسبت به آثار ابن عربی ندارند، کسانی مانند صدرالدین قونوی، مؤیدالدین جندی، داود قیصری، عبدالرزاق کاشانی، فخرالدین عراقی، عبدالرحمن جامی، عبدالغنی نابلسی، بابارکنا شیرازی، خواجه محمد پارسا، صدرالدین شیرازی و آقا محمدرضا قمشه ای و حکما و عارفانی از این دست از افق و ساحت فکری معنوی نزدیک و یا برابر با ابن عربی برخوردار بودند و شرح و بیان آنان در باب کلمات شیخ اکبر در حد صورت الفاظ خلاصه نمی‌شد و این ناشی از جلالت قدر و منزلت و اهلیت و انس آنان با عالم معانی و حقایق بوده است؛ اما نگارنده را رأی بر آن است که باب عالم معنا به افرادی خاص اختصاص نیافته است و هر کس در حد استعداد و اهتمام خویش به این عالم و حقایق نظر دارد، از این گذشته، اگر شرط فهم و دریافت معانی و حقایق برابری سطح اندیشه و مرتبت معنوی می‌بود، نه پیامبری معوث می‌شد و نه ولی‌ای و عارفی راه‌یافته و راه شناخته دست به قلم برای تحریر معانی و حقایق عرفانی می‌برد.

این مجموعه مقالات با حمایت مؤسسه خانه کتاب فراهم آمده است و ابن عربی و تعالیم او را در زمینه‌های مختلف و از زوایای گوناگون مورد کنکاش و بررسی و نقد و تحلیل قرار داده است و بیش از سی تن از اصحاب فضل و دانش، به ویژه اعضای هیئت علمی دانشگاهها و مراکز پژوهشی کشور در خلق آن همکاری داشته اند.

در خاتمه وظیفه می‌داند از جناب آقای علی شجاعی صائین مدیر عامل محترم سابق مؤسسه خانه کتاب و جناب آقای علی اوجبی، معاون محترم فرهنگی پیشین خانه کتاب که در دوره مسئولیت ایشان این طرح به تصویب رسید و امکان تحقق یافت امتنان قلبی خود را ابراز نموده و تشکر نمایم. همچنین قدردان حمایت و مساعدت جناب آقای مجید غلامی جلیسه مدیر عامل محترم فعلی مؤسسه خانه کتاب هستم که تقدیر، چاپ و انتشار این مجموعه را به دوره مسئولیت وی و موافقت ایشان واگذار.

از همکار محترم جناب آقای دکتر اصغر اسماعیلی نیز برای ویرایش مقالات، سرکار خانم پناهی برای پیگیری مقالات در ابتدای طرح، سرکار خانم مژگان شهریاری به جهت پیگیری مستمرشان و تایپ برخی از مقالات و خانم گوهر نصرتی برای صفحه‌آرایی این مجموعه کمال تشکر و سپاس را دارم.

حسن ابراهیمی
زمستان ۱۳۹۳